

## عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

# در کرونا، نیروهای مدنی به ساخت سیاسی سامان دادند



محمد جعفری

روژنامه‌نگار

قدرتمند کرده و حیات و تصمیم‌گیری‌های آنها را به‌سمت خدمت‌رسانی سوق داده و فرآیند تغییرات صورت‌گرفته درنهایت به تقویت جامعه منتهی شده است. آزادارمکی در توضیح تغییرات صورت‌گرفته در مناسبات و روابط دولت و ملت می‌گوید تا دیروز در ایران حاکمیت از آن دولت و تبعیت از آن مردم بود، اما این رابطه امروز معکوس شده و جامعه در بالا و دولت در پایین قرار گرفته و دیگر موضوعیت ندارد که دولت از بالا حکم بدهد و جامعه نیز از این دستور تبعیت کند. به‌همین دلیل است که جامعه ایران توجه چندانی به محدودیت‌ها نمی‌کند و می‌گوید شغلم چه می‌شود و برای همین راه می‌آفتد در خیابان و دولت هم می‌گوید می‌توانید سر کار بروید و محدودیت‌ها را کم می‌کند. عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران ریشه تفاوت‌ها در نوع مواجهه مردم ایران و مردم اروپا در مواجهه با کرونا را تا حد زیادی ناشی از ناتوانی دولت در مهار بحران می‌داند و معتقد است ایران چون دولت مثل کشورهای اروپایی توانایی اقتصادی بالایی ندارد و در عین حال تحریم هم هست، نمی‌تواند مثل آنها خدمت‌رسانی کند، از این‌رو بخش زیادی از کار را به جامعه واگذار کرده و در چنین شرایطی جامعه خود به میدان می‌آید. اینجاست که جامعه ایرانی در مقایسه با جامعه فرانسوی نقش بیشتری در بحران کرونا ایفا می‌کند. از نگاه این استاد دانشگاه، گروه‌های اجتماعی که این روزها فعال شده و برای مهار بحران در تلاشند، پیش از این نیز وجود داشتند، اما به‌رسمیت شناخته نمی‌شدند. با این‌حال در بحران کرونا تمام نیروها فارغ از سلاطین سیاسی و فرهنگی و... به میدان آمدند و جمهوری اسلامی یک‌بار دیگر فرصت یافت تا نیروهای مدنی خود را پیدا کند و با کمک آنها به نظام سیاسی خود سامان دهد، لذا باید برای فعال شدن حیات اجتماعی به این نیروها اجازه عمل و زمینه فعالیت داد، چرا که تقویت این فضا بر ساخت سیاسی و نظام اجتماعی اثر مثبت خواهد گذاشت و نتیجه‌ی ساخت اجتماعی نیز تغییر ساخت سیاسی خواهد بود. در این صورت جامعه به سامان جدید می‌شود و به‌جای اینکه بعدا دچار یک تغییر بزرگ شویم، به‌نحو مطلوبی دچار تحول می‌شویم.

این روزها این گزاره به کرات مطرح می‌شود که جهان پساکرونا جهان دیگری است و تغییرات زیادی را در حوزه اقتصاد و سیاست و روابط بین‌الملل و... دربرخواهد داشت. از نظر شما آیا دامنه این تغییرات در ایران به محیط اجتماعی هم کشیده می‌شود و ما در ساختارهای اجتماعی نیز شاهد تغییرات عمده‌ای خواهیم بود؟
کرونا در ایران پدیده‌ای فراگیر است و برای تمام سطوح جامعه ایرانی، هم اثراتی دارد، به‌نجوی که عاملیت عمده در تغییرات است و هم برای تغییرات بعدی نقشه دارد و فاعلیتی دارد که تغییرات آینده جامعه ایرانی را رقم خواهد زد. در سطح روابط بین‌الملل شاهد هستیم که کرونا اولین کاری که کرده، سر دولت‌ها را به زمین زده، تاکنون در تاریخ سیاسی جهان هیچ پدیده‌ای حتی جنگ‌جهانی دوم که به سقوط برخی دولت‌ها انجامید، نتوانسته بود چنین تأثیری داشته باشد و دولت‌ها را به زانو درآورد. اما کرونا نتوانست با آمریکا، انگلیس و خیلی کشورهای دنیا چنین کند. در سطح سیاسی کرونا نقش خود را قدرتمند بازی کرده و موجب شده دولت‌های جدیدی ظهور کنند. درواقع نتوانسته دولت‌های اقتدارگرای دیروز را تبدیل به دولت‌هایی کند که تمام تلاش آنها به‌سمت خدمت‌رسانی به مردم است. در سطح بین‌الملل و در ایران هم چنین اتفاقی رخ می‌دهد. کرونا موجب شده تمام یا اکثر مولفه‌های دولت در ایران به‌معنای عام، نه روحانی و کابینه ایشان، اعم از دولت و ارتش و سپاه و بسیج و نهادهای دینی و... درجیت خدمت‌رسانی به جامعه تلاش کنند. بحث اینجاست که کرونا چطور موجب شده تغییر در ساخت سیاسی از طریق تغییر در ساخت اجتماعی ایجاد شود. کرونا درحقیقت موجب شده دولت‌ها کم‌قدرت شوند و درمقابل، ساحت اجتماعی قدرتمند شود. کرونا دولت‌ها را کم‌قدرت و ضعیف کرده و عرصه حیات و تصمیم‌گیری آنها را عوض کرده و عرصه نسبتا مدرن‌تر را که به تعبیر من خدمت‌رسانی است، ایجاد کرده است.

از سوی دیگر چرا دولت‌ها نمی‌توانند همانند دوره جنگ ورود کنند تا یکسان‌سازی صورت بگیرد؟ چون سطح اجتماعی جان‌گرفته و وسط آمده است. حوزه اجتماعی به چه صورت جان‌گرفته؟ جامعه تا دیروز خود را از طریق مصرف، مقاومت درمقابل برخی هنجارها، از طریق رفتن به آموزش عالی، از طریق تغییر رفتار رسانه‌ای و دینی نشان می‌داد، به‌همین دلیل در حوزه رسمی گفته می‌شد بخش‌هایی منحرف، بی‌اخلاق، بی‌دین و مصرف‌گرا شده‌اند و مثلا در رفتارهای خانوادگی مقاومت می‌کنند، ازدواج نمی‌کنند و... ولی الان خود جامعه به‌صورت تمام‌عیار عریان وسط آمده و چون وسط آمده، خود بازگری می‌کند و مجبور نیست مقاومت کند و حالت انفعالی یا اعتراضی داشته باشد. چگونه بلای می‌کند؟ از طریق طرح نیازهایش. بخش‌هایی از جامعه دیروز برای اینکه خود را نشان دهد باید پشت یک گروه سیاسی قرار می‌گرفت و شعار سیاسی می‌داد، هیجان اجتماعی ایجاد می‌کرد یا مثلا درنهایت در قالب اعتراض رادیکال، به خیابان آمدن و مواردی از این دست خود را نشان می‌داد.

جامعه امروز چه نیازی دارد؟ مساله اساسی آن بهداشت، بیمه، حمایت‌های اجتماعی، کار، شغل و... است. وقتی نیازهای اساسی جامعه تمام‌عیار ظهور می‌کند در یک کنش جمعی انباشتی تبلور می‌یابد. این اتفاق باعث می‌شود نظام سیاسی بروکراتیک و اقتدارگرا به نظام سیاسی به‌اصطلاح منعطف و خدمتگزار دربیاید و بروکراسی‌ای که به جامعه اعتنا نمی‌کرد و کارمندان آن را که به‌ذنبال منافع شخصی و تصاحب موقعیت‌ها و از بین بردن قواعد و... بودند، درجیت پاسخ به نیازهای جامعه بسیج کند. درحقیقت روابط اجتماعی، مناسبات اجتماعی، ساخت اجتماعی، نهادهای اجتماعی و کلیت عرصه اجتماعی در فرآیند تغییر قرار می‌گیرد که نتیجه این تغییر، تقویت جامعه است تا اینکه جامعه را بخواهد دچار ویرانی کند.

**این تغییراتی که اشاره شد، ناظر به دوره بحران و دوره گذار است یا آنکه باید به چشم تغییراتی ماندگار و دائمی یا موقتی بلندمت به آنها نگاه کرد؟**
زمینه‌های آن در قبل از بحران وجود دارد ولی بحران آن را تشدید و شفاف کرده است. مثلا قفسه فقر و نابرابری را درنظر بگیرید، ما قبل از بحران هم این نابرابری را داشتیم ولی بیشتر، گروه‌های سیاسی بر سر آن به‌عنوان ابزاری سیاسی دعوا می‌کردند. فقر را کسی علاج نمی‌کرد. چه در دولت اصولگرا و چه در دولت اصلاح‌طلب به این موضوع توجه چندانی نمی‌شد. اما امروز

# راهبرد

عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

# در کرونا، نیروهای مدنی به ساخت سیاسی سامان دادند



عکاس: سید وحید حسینی /فرهیختگان

رفت و جامعه وسط آمد. در چنین شرایطی جامعه تازه به این تصمیم می‌رسد که من باید کنشی انجام دهم. روشن است که با حضور مردم در خیابان‌ها کرونا بیشتر می‌شود. مردم می‌دانند به خیابان آمدن آنها شاید به مرگ‌شان بینجامد ولی چاره‌ای جز این ندارند، چون حمایت نمی‌شوند.

**با این وصف یعنی دلیل نقش‌آفرینی مردم برای حل این چالش و به میدان آمدن آنها فقط ناتوانی دولت بود؟**
یک بعد آن اقتصادی است.

**طرف بدون آنکه بخواهد از دولت کمک دریافت کند، به‌صورت خودجوش می‌رود و یک‌سری خلأها را پر می‌کند، خلأهایی که اتفاقا دولت از پرکردن آنها ناتوان مانده است.**

ساختار سیاسی ایران ساختار ضعیفی بوده است. مثلا دعوا بر سر تصاحب مجلس بوده. ببینید در همین انتخابات شورای نگهبان چه کرد.

**بنده سوال را کامل نکردم!**

اجازه دهید توضیح دهم بعد سوال‌تان را کامل کنید. نظام سیاسی ما به‌خاطر اینکه دوگانه بوده همواره در خود دعوا داشته است. این دعوا نظام سیاسی را فرسوده و بی‌قدرت می‌کند. این شرایط در کنار تحریم و بی‌پولی، دولت را تضعیف می‌کند و درنتیجه آن را به حاشیه می‌برد. حالا جامعه به میدان آمده است. مشکلات زیادی در کشور وجود دارد و موضوعاتی چون سلامت، بهداشت، درمان، تغذیه و حمایت، زنان بی‌سرپرست، بچه‌های کار و... در جامعه ما باتکلیف هستند. پنج سال است که بازنشستگان اعتراض دارند. همه اینها ریشه در ناتوانی دولت (به معنای عام آن) اعم از راست و چپ دارد. حالا که این بحران اتفاق افتاده و نظام سیاسی از حل آن ناتوان مانده، مردم بیشتر با آن همراهی می‌کنند. ولی تمام بار وی دوش مردم است. مردم هستند که قربانی می‌دهند، فقر را تحمل می‌کنند و در این شرایط به همدیگر یاری می‌رسانند و از هم حمایت می‌کنند. دولت کار خود را می‌کند هنر کند برای ما نان و شکر و قند و... بیاورد و بنزین هم بتواند بدهد، خوب است والا کار دیگری نمی‌تواند انجام دهد.

**همان بهتر که در این وضعیت بازار جهانی، نتواند نفت را رایگان بدهد. (خنده)**

نمی‌تواند بفروشد. اتفاقا نفت ارزان را هم باید فروخت و نباید از بازار بیرون رفت. غرض اینکه جامعه به عرصه آمده، اقتصاد و مناسبات اجتماعی مهم شده و بیماری و بدن و سلامت و... و اهمیت بیشتری یافته‌اند. اینها نیروهایی هستند که برای تغییرات آینده فشار اجتماعی ایجاد می‌کنند.

**سوال من این بود که به‌ویژه در اوایل بحران، در مواقعی سیستم اجرایی مستاصل ماند و برای مواردی چون تغسیل جامعه آمده است و حاکمان مشغول کار قدرت، سیاست و... بوده‌اند.**

**یعنی این مساله هیچ ربطی به خاستگاه‌های فرهنگی و... جامعه ایران نداشت؟**

این نیروها در جامعه وجود داشت اما به رسمیت شناخته نمی‌شد. اتفاقی که افتاده تغییر بسیج است. بسیج قبلا نیروی نظامی بود و امروز نیروی اجتماعی شده و حمایت می‌کند. سپاه تغییر رفتار می‌دهد و ارتش کار دیگری می‌کند، روحانیت کار مدنی می‌کند. نیروهای محلی، منطقه‌ای و گروه‌های سازمان‌یافته ورود می‌کنند. فقط هم نیروهای تشکیلاتی جریان راست نیستند که شما از آنها یاد می‌کنید و این موضوع کلیت جامعه را در بر می‌گیرد.

**من به جریان خاصی اشاره نکردم!**

چرا منظور شما از گروه‌های جهادی همین است! این حضور به کل جامعه مربوط است. من شهری را می‌شناسم که در آن روحانی‌ای که در نظام سیاسی رسمی غیرخودی

به میدان آمده‌اند متعهد به این ظهور باشند و پیوستگی‌های خود را سامان دهند و نظام تقسیم کار اجتماعی شکل گیرد. نظامی که صرفا بخشی از آن دولت و مجموعه دستگاه‌های اجرایی خواهند بود. برخلاف دیروز که همه آنها، دولت و دستگاه‌های اجرایی بودند. لذا عوامل نظام سیاسی اعم از هرکسی که در مجلس و ریاست‌جمهوری و دولت و... حضور دارد، دیگر آن آدم‌های دیروز و نمایندگان دیروز و دولتمردان قبل از کرونا نیستند. آنها قبل از کرونا همه‌چیز را به سخره می‌گرفتند. نماینده امروز و رئیس‌جمهور فردای بعد از کرونا باید در خدمت شنیدن دستورات جامعه و اجرایی کردن آن باشند. لذا بیشتر، مسئولیت‌پذیری دولت موضوعیت دارد تا مسئولیت‌پذیری جامعه. دیروز مسئولیت‌پذیری جامعه بود و امروز دولت و دولت باید نماینده جامعه و مسئولیت‌پذیر برای انجام کارها و اجرای سیاست‌ها باشد. مکانیسمی که در دولت‌های غربی وجود دارد این است که دولت‌ها در بحران به‌صورت فوری می‌ریزند و عوض می‌شوند. در جمهوری اسلامی یک رئیس‌جمهور می‌آید و هشت سال می‌ماند و عوض نمی‌شود. وقتی بحرانی پیش می‌آید دولت باید عوض شود. مسئولان باید عوض شوند ولی اینجا تحت هیچ شرایطی در هیچ سطحی این تغییر اتفاق نمی‌افتد.

**این تغییرات در چه فرآیندی اتفاق می‌افتد؟**

این تغییرات به‌صورت بنیادین و بدون خونریزی و بگروبیند رخ خواهد داد، چون خود کرونا خون می‌گیرد و آدم می‌کشد. ولی شرایط کرونا دیگر آدم نمی‌کشد. یعنی آنقدر خون‌ها روی زمین می‌ریزد و این فضا قدرتمند است که خودش تغییرات ایجاد می‌کند، بدون اینکه خونریزی دومی صورت بگیرد.

چون کرونا همه جامعه را گرفته و مردم ایران یک‌بار برای همیشه فهمیدند می‌توانند یک‌باره دچار مرگ شوند و همه‌چیز را از دست بدهند. دیمورد جنگ این اتفاق رخ نداد، جنگ فقط برای کسانی که نزدیک مرز بودند، پیش آمد و فقط مردم آن منطقه با این مساله مواجه شدند که دشمن همه‌چیزشان را گرفت. ولی کرونا در این دو‌ماه به مردم نشان داد که می‌تواند همه‌چیز آنها را بگیرد و برای اینکه همه‌چیز مردم را بگیرد باید بازی را تغییر دهند و چطور؟ باید طوری بازی کنند که امکان بقا برای آنها وجود داشته باشد.

**به فعال شدن نظام تقسیم کار اجتماعی در بحران اشاره کردید. این فرآیند چرا در ایران اتفاق افتاد ولی در خیلی از کشورها رخ نداد؟**

آنجا هم اتفاق افتاده است.

**ولی کنش مردم ایران در مقایسه با رفتار مردم دیگر کشورها خیلی متفاوت بود.**

بله، ولی به این سادگی نیست. در خارج از کشور هم اتفاقا مدیریت بحران وجود دارد.

**یعنی با نقش‌آفرینی و حضور مردم؟**

به‌طور مثال در فرانسه کشور تعطیل است. مردم آب و غذا می‌خواهند و بدهکاری و قسط دارند و... دولت همه این موضوعات را پیش‌بینی کرده است. در ایران دولت چنین توانایی‌ای ندارد، منبع درآمد هم ندارد و نمی‌تواند چنین کاری کند. پس بخش زیادی از کار را به جامعه واگذار کرده است. جامعه خود تصمیم می‌گیرد. اینجاست که جامعه ما در ایران نقش بیشتری در کرونا بازی کرد تا جامعه فرانسوی! در جامعه فرانسوی دولت و نظام سیاسی نقش‌آفرینی بیشتری کرد. در آمریکا گفته شد هرکسی بیکار است ثبت‌نام کند و دولت بیمه بیکاری پرداخت می‌کند. در ایران حمایت موثری در این باره نمی‌شود، قسه فرقی می‌کند. دولت ما ناتوان بوده و جامعه به این رسیده که خود وارد عمل شود.

**یعنی در آمریکا و ایتالیا دولت توانمند بود که شرایطشان به وضعیت امروز رسیده؟**

مردم را می‌دهند و زندگی آنها را تامین می‌کنند. صرفا به تنش‌ها و هجوم به فروشگاه‌ها نگاه نکنید. بازپرداخت اقساط وام‌ها را به ۶ ماه بعد موکول کردند. بیمه بیکاری گذاشتند و... حال اینکه در این زمینه چقدر موفق بوده‌اند، بحث دیگری است. مهم این است که دولت همچنان این کار را می‌کند. در ایران چون دولت چنین قدرت و توانایی‌ای نداشت به حاشیه